
جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران

حسن کریمخانی*

چکیده

هدف پژوهش شناخت جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان بود. جامعه آماری مشتمل بر کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد شهر تهران است که با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه کوکران، ۴۰۷ نفر به صورت نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی بود و برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS با روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. اولین یافته تحقیق با استفاده از آزمون تک نمونه‌ای دلالت بر این امر داشت که عملکرد رفتاری دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد شهر تهران تحت تاثیر آموزه‌های دینی قرار دارد. یافته دیگر تحقیق حاکی از آن است که آموزه‌های دینی، ابعاد مختلف عملکرد رفتاری دانشجویان، از جمله رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و عاطفی را نیز تحت تاثیر قرار داده است.

کلید واژه‌ها:

آموزه‌های دینی^۱، عملکرد رفتاری^۲، رفتارهای اجتماعی^۳، رفتارهای فرهنگی^۴، رفتارهای عاطفی^۵.

* مدرس مدعو، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده علوم تربیتی، رودهن، ایران. hassankarimkhani@yahoo.com

¹ religious teachings

² behavioral performance

³ social behaviors

⁴ cultural behaviors

⁵ emotional behaviors

مقدمه

در رویکردی جامعه‌شناختی تأکیده‌های قرآن بر فهم و تفسیر ارتباط انسان با جامعه و هموعان خود، کارآمدی دین در توضیح یک نظام ارزشی و منسجم روشن می‌کند. هنگامی که انسان‌ها در کنار هم زندگی می‌کنند، برای تأمین نیازهای متقابلشان ناگزیر خواهند شد که نوعی نظم و قانون را میان خود بپذیرند؛ اما این نظم و قانون چیزی نیست که فقط پیرو قرارداد صرف ما باشد، بلکه امری واقعی است که به طور قهری خود را میان روابط بشری نمایان می‌سازد، چون خداوند بنابه حکمت و مصلحت خویش انسان‌ها را چنان آفرید که روابطشان با یکدیگر، اعم از زن و مرد، فقط با نوعی نظم و قانون سامان می‌گیرد (حسینی، ۱۳۷۸: ۴۸).

یکی از اهداف تشریح دین پایان دادن به اختلاف‌های ناشی از زندگی اجتماعی است تا انسان‌ها را به رعایت حقوق یکدیگر و عدل و انصاف راهنمایی کند. انسان برای رفع برخی از حوائج خویش به سوی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری کشیده می‌شود. انسان هر روز به علم و قدرت خویش برای دستیابی به خواست‌ها و چگونگی استفاده از تمایلات می‌افزاید و متوجه مزیت‌های جدید می‌شود و از راه دقیق بهره‌وری آگاه می‌گردد. در بین آنها هم توانمندان و صاحبان سلطه و ارباب قدرت و هم ضعفا و ضعیفان پدید می‌آیند و این منشأ ظهور اختلاف است (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۲۵).

جامعه برای حفظ آرامش خود و جلوگیری از بروز و رشد اختلافات نیازمند عاملی قوی و فراتر از محورهای مادی است که منافع همه شهروندان را تأمین کند. پیامبران و ادیان آسمانی برای همبستگی جوامع گوناگون از عامل فرامادی یعنی معنویت و دیانت استفاده کرده‌اند. اجرای مراسم مذهبی در عبادتگاه عامل وحدت و اشتراک گروه‌ها و طیف‌های مختلفی، از هر زبان، قوم، نژاد و ملیت شد. قبایل و شهروندان و ملت‌ها به جای اینکه به عامل مادی یعنی منافع قبیله و شهرو ملیت خود توجه کنند، به منافع فراتر از آن یعنی منافع هم‌کیشان و مومنانی توجه کرده‌اند که ممکن است در سرزمین‌ها و کشورهای گوناگون باشند (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲: ۴۷).

طی سالهای متمادی که از عمر بشر و جامعه انسانی می‌گذرد، دین تنها گزینه‌ای است که تقریباً تمام انسانها را در اختیار خود داشته است. بعد از ماهیت‌های متنوع و مختلفی که دین در جهان داشته است، تمامی مردم در ارتباط خود با جهان طبیعت و نیروهای موجود در آن، اندیشه‌ای را برگزیده‌اند. دین در عرصه اجتماع در طی سالهای متمادی حضوری چشمگیر داشته است، به طوری که روحانیون در کلیساها و مسلمانان در مساجد بدان می‌پرداختند. در اروپا با انقلاب صنعتی موج جدیدی از تفکرات و حرکت غیردینی به وجود آمد و آن را محدود به عرصه خصوصی هر فرد کرد. در حال حاضر اکثریت عظیمی از جوامع بشری به دین خاصی گرویده‌اند و خود را ملزم به دستورات آن دین می‌دانند. در خاورمیانه که مهد و محل تولد بزرگ‌ترین ادیان الهی است، در اعصار مختلفی از تاریخ،

چه در عرصه سیاست و چه در عرصه اقتصاد و همچنین در تولید علم، بزرگ‌ترین واکنش بشری را در برابر دین می‌توان مشاهده کرد (حکیمی نیا، ۱۳۸۴: ۲۸).

بیان مسئله

هرگاه شیرازه تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته شود نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی دیگر کارایی اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان رها خواهند شد. در این موقعیت، آرزوهای فردی دیگر با هنجارهای مشترک تنظیم نمی‌شوند و در نتیجه، افراد بدون راهنمای اخلاقی می‌مانند و هر کس تنها اهداف شخصی اش را دنبال می‌کند (ثلاثی، ۱۳۷۸: ۱۲۷). انسان نمی‌تواند بدون دانش ایده و آرمان و ایمان، زندگی سالمی داشته باشد یا کاری مفید و ثمربخش برای بشریت و تمدن بشری انجام دهد. انسان فاقد هر گونه ایده یا به صورت موجودی غرق در خودخواهی در می‌آید که هیچ وقت از مالک منافع فردی خارج نمی‌شود یا موجود مردد و سرگردانی می‌شود که تکلیف خویش را با مسائل اخلاقی و اجتماعی زندگی نمی‌داند. انسان دائماً با مسائل اخلاقی و اجتماعی برخورد می‌کند و ناچار باید عکس العمل خاصی در برابر این گونه مسائل نشان دهد. انسان اگر به مکتب، عقیده و ایمانی پیوسته باشد، تکلیفش روشن است و اما اگر مکتب و آیینی تکلیفش را روشن نکرده باشد، همواره مردد به سر می‌برد، و به این سو و آن سو کشیده می‌شود و تبدیل به موجودی ناهماهنگ می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸: ۹۱).

جامعه ما جامعه‌ای است که در آن قوانین و موازین اخلاقی نشأت گرفته از دین است و رفتارهای اجتماعی افراد کنترل و نظارت قوانین دینی است. لذا اگر هر یک از افراد جامعه به نحوی رفتار جامعه ستیزی از خود نشان دهند، ریشه آن را باید در تفکرات دینی جستجو کرد و با شناخت آن ابتدا به تبیین آن پرداخت و سپس با ایجاد راه حل‌هایی به بهبودی رفتار کمک کرد. توجه به روابط انسان با خویشتن و محیط پیرامونش و جامعه در تعبیر آیات قرآنی نشان می‌دهد که جامعه شناختی دین، مفهومی فراتر از انگیزه‌های مادی در روابط اجتماعی افراد دارد و به نوعی جهان بینی خاص در تبیین روابط انسان‌ها در مناسبات اجتماعی متکی است که تکامل جوامع بشری را بر پایه علت غایی حاکم بر جهان هستی و باور به خدا ترسیم می‌کند و در مناسبات اجتماعی راه و روش دستیابی به یک نظام ارزشی را معین می‌کند. تأثیر عمیق دین در عصر جدید نیز همچنان بر جوامع بشری حاکم است، از آن جمله مشارکت فعال ملت‌ها در مسائل جهانی، جنبش‌های سیاسی - اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با تکیه بر آموزه‌های دینی و هدایت مردم به وسیله اصول راهبردی آن به سوی شکلی از زندگی فردی و اجتماعی است که مددکننده و پذیرای دین باشد. امروزه روابط افراد با خویشتن نیز که بیش تر در حوزه روان شناختی قابل بحث است، دچار تحول اساسی شده و بیش از همیشه ضرورت توجه به دین و تأثیرات روحی ناشی از آثار و نتایج آن بر انسان‌ها را افزایش می‌دهد. ماهیت

دین فرا انسانی است؛ از عالم ربّانی نشأت گرفته است و در تار و پود روابط اجتماعی انسان‌ها برای اهداف متعالی تری ریشه دارد؛ تشخیص اصول راهبردی و کارکردهای مثبت و ثمربخش اجتماعی آن ضامن وحدت، همبستگی و تقویت روابط اجتماعی است. دین همان گونه که در پیدایش و شکل‌گیری جامعه انسانی نقش بنیادی دارد، در بقا و تداوم آن نیز مؤثر است و این نقش نه تنها از آن روست که تعدیل خوی سلطه‌طلبی و برتری جویی یک نیاز همیشگی است، بلکه در قداست بخشیدن به قانون و ارزش‌های اخلاقی ریشه دارد (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

هدف این تحقیق بررسی جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران است تا با شناختن این جایگاه در جهت تقویت و بهبود آن اقدام شود. به بیان دیگر، سؤال اساسی تحقیق حاضر این است که، آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد شهر تهران، چه جایگاهی دارد؟

اهداف تحقیق

اهدافی که در این تحقیق مدنظر بوده‌اند عبارت‌اند از:

الف: هدف کلی

تعیین جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان

ب: اهداف جزئی

- ۱- تعیین جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای اجتماعی دانشجویان
- ۲- تعیین جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای فرهنگی دانشجویان
- ۳- تعیین جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای عاطفی دانشجویان

مبانی نظری

انسان درون اجتماع زندگی می‌کند و لاجرم بخشی از رفتارهایی که از او سر می‌زند با تعاملات اجتماعی پیوند خورده است یا به نحوی تحت تأثیر عوامل اجتماعی است. به طوری که رفتار یک فرد در تنهایی با رفتاری که در اجتماع از خود نشان می‌دهد تفاوت دارد. منظور از رفتار اجتماعی هر نوع رفتاری است که متضمن کنش متقابل دو یا چند انسان باشد. فرد رفتارهای اجتماعی خود را براساس مؤلفه‌های متعددی از قبیل فرهنگ و هنجارهای اعتقادی، ارزشی و قانونی مورد قبول خود یا جامعه و همچنین نقش خود در اجتماع و هویتی که به دست آورده است تنظیم می‌کند.

عوامل مؤثر بر رفتار

* تفاوت‌های فرهنگی

رفتارهای جمع‌گرا یا فردگرا وابسته به فرهنگ فرد هستند. به علاوه برخی از فرهنگ‌ها دیدگاه ذاتی خاصی در مورد عملکرد رفتاری دارند، در حالی که در برخی دیگر از فرهنگ‌ها، پیشقدم شدن در کمک‌رسانی و مشارکت نادیده گرفته می‌شود. افرادی که از یک فرهنگ هستند بیشتر احتمال دارد که به اعضای درون‌گروه خود کمک کنند، یعنی گروهی که فرد عضو آن شناخته می‌شود. اشخاص در فرهنگ‌های جمع‌گرا نسبت به فرهنگ‌های فردگرا بیشتر تمایل دارند که به اعضای درون‌گروه کمک کنند و کمتر احتمال دارد به اعضای خارج از گروه کمک کنند (بیکر^۱، ۲۰۱۰).

* جنسیت

زنان احساسات مادرانه‌ای دارند که می‌تواند در رفتار و عملشان برای کمک کردن یا شریک شدن در نیازهای افراد اثر بگذارد. میلز و گروئیک^۲ دریافته‌اند، دختران بیش از پسران یاری‌دهنده‌اند و گزارش دادند که دختران کمتر از پسران رفتارهای اجتماعی مطلوب خود را به علل درونی نسبت می‌دهند. احتمالاً دختران بیش از پسران تحت فشار شبکه اجتماعی خود قرار می‌گیرند تا به رفتارهای اجتماعی پردازند و نوع دوستی را هر چه بیشتر درونی کنند.

بیرهوف^۳ در نتایج پژوهشی نشان داد که احتمال دریافت کمک، برای زنان بیش از مردان است. همچنین تمایل مردان در یاری‌رساندن به زنان بیش از علاقه آنها به کمک کردن به مردان بود، در حالی که زنان به یک اندازه تمایل داشتند که به زنان یا مردان کمک کنند. دختران بیش از پسران حمایت‌های عاطفی، یاری‌ملموس و محسوس و عشق و مهربانی از خود بروز می‌دهند و به مراقبت‌های حفاظتی می‌پردازند (صدیقی نژاد، ۱۳۸۴: ۸۷).

* مکان جغرافیایی (محل اقامت)

روستاییان بیشتر تمایل به کمک کردن دارند، زیرا نزدیک به هم زندگی می‌کنند و متحدند، بر خلاف شهروشنینان که از هم دورند و اتحاد ندارند. تفسیری در مورد تفاوت‌های شهر و روستا در زمینه کمک‌رسانی وجود دارد که مبتنی بر پخش شدن مسئولیت است. در تفسیری دیگر می‌توان گفت که میزان بالاتر رفتارهای مطلوب در مناطق روستایی با این فرض قابل توجیه است که ساکنان شهرهای بزرگ نسبت به جمعیتی که در روستاها زندگی می‌کنند، افراد شکاک‌تر و بدگمان‌تری

¹ Baker

² Mills & Groesbeck

³ Bierhoff

هستند. ممکن است اشخاصی که در شهرها زندگی می‌کنند با انگیزش فراوانی روبرو باشند و اگر آنها را در محیطی آرام‌تر قرار دهید، احتمالاً تمایل به کمک کردن خواهند داشت.

***موقعیت اجتماعی**

شرایط اجتماعی می‌تواند در عملکرد رفتاری تأثیر بگذارد، اگرچه به نظر نمی‌رسد مقام و موقعیت اجتماعی به طور کلی عامل پیش‌بینی‌کننده معتبری در زمینه مفیدبودن و یاری‌رساندن باشد. طبقه اجتماعی ممکن است تحت تأثیر مشابهت‌ها قرار گیرد، یعنی افراد طبقه متوسط به آسیب‌دیدگان طبقه متوسط کمک می‌کنند و افراد طبقه پایین‌تر به مصدومین طبقه پایین‌تر یاری می‌رسانند.

***ویژگی‌های شخصیتی**

ویژگی‌های شخصیتی ممکن است محرک رفتارهایی مثل ذاتی‌همدلی، درستی و خیرخواهی باشد. افرادی که خلق خوبی دارند نسبت به افرادی که احساس گناه می‌کنند، بیشتر احتمال دارد کارهای خوبی نیز انجام دهند. تحقیقات متعدد نشان داده است که افراد هنگام غمگین بودن بیشتر احتمال دارد به دیگران کمک کنند.

***والدین**

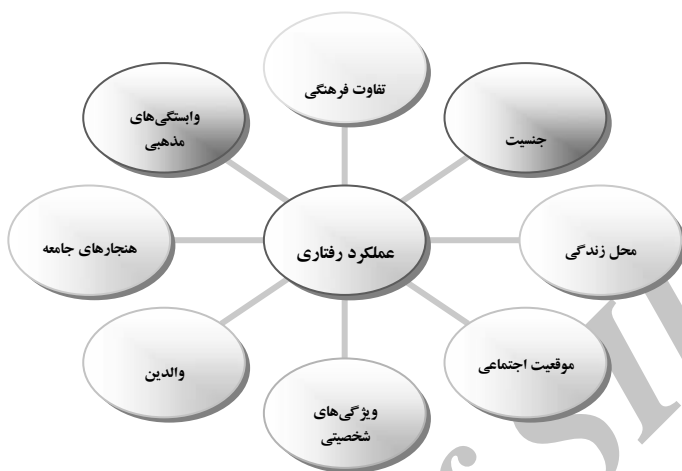
از عوامل مؤثر دیگر رفتار والدین است، به عبارت دیگر والدینی که دارای رفتارهای مطلوب هستند به احتمال بیشتری این رفتارها را در کودکان پرورش خواهند داد.

***هنجارهای جامعه**

هنگامی که فرد بداند دیگران در صورت نیاز به او کمک خواهند کرد، بیشتر احتمال دارد که به دیگران کمک کند.

***وابستگی‌های مذهبی**

از دیگر عوامل مؤثر در رفتارهای اجتماعی وابسته بودن به مذهب خاص است. افرادی که به مذهبشان متعهدتر هستند، احساس همدلی، مشارکت و کمک بیشتری دارند. به علاوه مذهب ارتقادهنده اخلاقیات و مسئولیت‌پذیری جمعی شناخته می‌شود (بیکر، ۲۰۱۰).



نمودار شماره ۱: مدل تحلیلی شکل‌گیری عملکرد رفتاری

شکی نیست که باورهای دینی بر شیوه کار و عملکرد رفتاری افراد مؤثر است، چرا که دین پشتیبان نوعی از اخلاق، و مروج نوعی فضایل و مکارم اخلاقی است. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان درباره دین معتقدند که وقتی پیام دینی به افراد عرضه شد و مورد پذیرش قرار گرفت، با اهداف و منافع و عقاید پیشین، تربیت خانوادگی و محلی و ملی ترکیب می‌شود و خصوصیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و نتایج ناخواسته‌ای به وجود می‌آورد که مورد انتظار نیست. به این جریان پیامدهای دین داری گفته می‌شود. حال ممکن است این پیامد مثبت باشد که به آن کارکردهای مثبت دینی می‌گویند و ممکن است پیامدهای منفی به همراه داشته باشد که به آن کارکردهای منفی یا آسیب‌های دینداری می‌گویند. در ذیل به برخی از دیدگاه‌های روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در زمینه باورهای دینی اشاره می‌شود.

دیدگاه برخی از روان‌شناسان در زمینه ی باورهای دینی

فروید^۱ مبدأ مذهب را رابطه کودک با پدر دانسته و رفتار مذهبی را شکلی از روان‌آزردگی و یک خطای ادراکی ناشی از آرزوهای بچگانه برای داشتن یک پدر نیکخواه قدرتمند می‌داند و معتقد است این احساس به دلیل ترس از قدرت برتر سرنوشت دائماً وجود خواهد داشت.

^۱ Freud

یونگ^۱ نظر مساعد تری به مذهب داشت. او معتقد بود که مذهب در پیروانش احساس معنا و امنیت به وجود می‌آورد. او در بحث ناخودآگاه جمعی به رویدادهایی اشاره می‌کند که همه به موجب داشتن وراثت مشترک (انسانیت) در آن شریک هستند.

فرام^۲ معتقد بود که مذهب هم می‌تواند برای سلامت روان مفید باشد و هم مضر و این بستگی به نوع جهت‌گیری مذهبی فرد دارد. فرام می‌گفت انسانها به طور کلی دو شیوه دینداری را بر می‌گزینند. نوع اول را مذهب قدرت مدار می‌نامند، شخصی که چنین عقیده‌ای دارد، احساس می‌کند که او را قدرتی خارج از خود او کنترل می‌کند. او همچنین عقیده داشت که یک مذهب انسان‌گرا نیز وجود دارد. در این دیدگاه خداوند نمادی از آنچه انسان واقعاً می‌تواند به کمالات او برسد تلقی می‌شود. به نظر فرام این دیدگاه می‌تواند برای سلامت روان مفید باشد.

کرک پاتریک^۳ معتقد است مذهب را می‌توان به عنوان فرایندی از دل‌بستگی در تجربه باورهای مذهبی مفهوم‌سازی کرد (صدیقی نژاد، ۱۳۸۴: ۹۱).

اسکینر^۴ معتقد است شعارهای مذهبی به ما کمک می‌کنند کتاب زندگی را بهتر بفهمیم یا تجربه‌های خود را بهتر درک کنیم. دین همواره مردم را یاری می‌دهد تا برای آینده بهتر در زمان حال قهرمانانه رفتار کنند. دین فنون مثبت را به زندگی بشر تزریق می‌کند. از دیدگاه شرطی‌سازی عامل، دوزخ هم حالت تنبیه دارد و محرک بیزاری‌آوری است که اگر به حد کافی ترسناک باشد، مانع وقوع رفتار ناخواسته می‌شود و یک تقویت‌کننده منفی است، چون رفع آن با پیش‌دستی فرد رفتار مثبت را تقویت می‌کند و وسیله‌ای است برای اجتناب از سرنوشتی دردناک. به عبارت ساده‌تر، خطر دوزخ شکل‌های نامطلوب رفتار را سرکوب و در عین حال رفتارهای دلخواه را تقویت می‌کند. بهشت نیز خود به خود تقویت‌گر مثبت است، اگر چه مشکل است بتواند با پاداش‌های زمینی که چندان دور از دسترس نیستند رقابت کند. لیکن ترکیب بهشت و دوزخ نیز نوعی تقویت‌کننده منفی است، زیرا طلب بهشت شخص را از دوزخ دور نگه می‌دارد. این نظریه پرداز معتقد است که در انتقال تجربه مذهبی به کودک باید الگوگیری و پذیرش اجتماعی (یعنی عادت موسوم در جامعه) مد نظر باشد.

هال^۵ (۱۸۸۲) بیان داشت که «بذر عواطف دینی بنیادین را در نخستین ماه‌های کودکی می‌توان کاشت» و این کار با مراقبت دلسوزانه از جسم کودک از طریق برخوردی آرام و پرهیز از محرک‌های شدید و احساسات بسیار پرنوسان امکان‌پذیر است. هال معتقد است که از این طریق می‌توان به رشد

¹ Jung

² Forum

³ Kirk patrick

⁴ Skinner

⁵ Hall

حس اعتماد، قردرانی، وابستگی و عشق یاری رساند. اگر دیدگاه‌ها را مورد نظر قرار دهیم، نتیجه این خواهد شد که وقتی کودک از ساحت ناخودآگاه بیرون می‌آید، از یک سلسله مراتب رشد می‌گذرد که مطابق با اشکال گوناگون مذهب اند. آدمی فقط با رسیدن به نوجوانی برای ورود به عشق و دیگرخواهی که هدف ادیان الهی است آماده می‌شود، پس کار تبلیغ و آموزش، شناخت حقیقت‌های ادیان است. کار آموزگاران بزرگ دینی این است که کودک را از این مراحل ضروری رشد عبور دهند. گالتون^۱ تردید نداشت که اگرچه نیایش ممکن است در این جهان قانون مند نتایج واضح و عینی نداشته باشد، می‌تواند آثار ذهنی به بار آورد، از جمله «احساس قاطع ارتباط با خدا» یا احساس اتحاد با آنچه پیرامون ماست که به اندازه احساس ارتباط با خدا نیرومند است. اتحاد با جهانی که قوانین فیزیکی و از جمله قوانین وراثت، بر آن حاکم اند، نتیجه هرچه باشد می‌تواند به آدمی «قدرت تصمیم گیری عطا کند» و «در فراز و نشیب زندگی و هنگام مرگ به وی آرامش دهد (مصطفوی، ۱۳۸۹: ۷۱).

دیدگاه برخی از جامعه‌شناسان در زمینه باورهای دینی

در خصوص منشاء پیدایش دین، دورکیم^۲ معتقد است که چیزهای مقدس و نمادها جدا از جنبه‌های عادی هستی در نظر گرفته می‌شوند، زیرا توتّم نماینده گروه و مقدس است و نماینده ارزش‌هایی است که برای گروه یا اجتماع اهمیت اساسی دارد. احترام به توتّم، احترام به ارزش‌های اجتماعی است و موضوع پرستش دین، خود جامعه است. از نظر دورکیم دین عبارت است از نظام به هم پیوسته و متشکلی از باورها و اعمالی که اشیای مقدس مربوط می‌شوند، یعنی اشیای خاص و متمایزی که تماس با آنها ممنوع است. این اعمال و باورها تمام کسانی را که به آن می‌پیوندند در یک واحد اجتماعی اخلاقی به نام «کلیسا» پیوسته و متحد می‌سازد (پرهام، ۱۳۸۱: ۱۵۹).

سهام مارکس^۳ در مطالعات دین ناچیز است. وی برخلاف دورکیم توجه عمیقی به دین نداشت و آن را پدیده‌ای روبنایی دانست که تابع محرک اصلی جوامع یعنی ابزار تولید است. وی توجه اهل نظر را به شباهت‌های فرهنگی و کارکردی بین دین، قانون، سیاست و ایدئولوژی، که همه جنبه‌های روبنایی جامعه بشری هستند، جلب کرد. از نظر مارکس، اعتقاد مذهبی شکل عمیق از خودبیگانگی انسان است. یعنی وضعیتی که در آن، مردم سلطه خود را بر دنیای اجتماعی‌ای که خود ایجاد کرده اند، از دست می‌دهند (فولادوند، ۱۳۶۹: ۹۶).

¹ Galton

² Durkheim

³ Marx

ویر^۱ معتقد بود در ادیان عقلانیتی وجود دارد که علمی نیست. منطبق با بعدالطبیعی یا دین آدمیان که از فعالیت ذهنی ایشان ناشی می‌شود، قیاسی است نیمه عقلانی و نیمه روان شناختی. آثار وبر القاکننده این معنا هستند که بشر دائماً در کار طرح پرسش بنیادی از معنای هستی است، پرسشی که دارای پاسخ منطقی و قاطع نیست، اما پاسخ‌های گوناگون به آن داده می‌شود. به نظر وبر سه شرط اساسی برای جهت‌گیری دینی جامعه باید موجود باشد تا تحول اقتصاد را به سوی سرمایه‌داری تسهیل کند. اولاً نجات نهایی انسان به نحوه عمل او در این زندگی بستگی نداشته باشد، بلکه فقط به خواست خدا و تفضل او وابسته شود. ثانیاً مذهب جبری نباید به این منجر شود که شخص بیکارگی و بی تفاوتی پیشه کند. تعلیم دین باید کار و کوشش سخت و خستگی ناپذیر باشد. در کار و کوشش با انضباط کامل عمل کند و این را تکلیف دینی خود بداند. ثالثاً نعمات دنیا باید هدف زندگی شوند و تأکید دین باید بی اعتباری دنیا و بی اهمیتی لذات آن نباشد (صبوری، ۱۳۷۳: ۲۲۵).

لیم و پوتنام^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان دین، شبکه‌های اجتماعی و رضایت از زندگی، به بررسی رابطه بین متغیرهای یاد شده با یکدیگر پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که ارتباط تنگاتنگی بین باورهای مذهبی مردم و شبکه‌های اجتماعی موجود در جامعه با رضایت از زندگی وجود دارد و اعتقادات و باورهای مذهبی بیشترین سهم را در تبیین رضایت از زندگی افراد دارند، چرا که پایبند بودن به باورهای مذهبی موجب ایجاد آرامش روانی در زندگی افرادی شود. مک کلایت و ویلهبی^۳ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای در دانشگاه میامی آمریکا به بررسی ارتباط، تبیین و کاربرد سه متغیر دین خودتنظیم‌گری، خودکنترلی را در افراد پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که رفتارهای اجتماعی افراد تحت تأثیر سه متغیر یاد شده قرار می‌گیرد. به طوری که دین می‌تواند خودکنترلی افراد را به صورت مستقیم تحت تأثیر قرار دهد و زمینه لازم برای خودتنظیم‌گری آنان را فراهم آورد.

جانانان^۴ (۲۰۰۶) در یک مطالعه تجربی تحت عنوان دین و عملکرد اجتماعی، به بررسی رابطه بین باورهای دینی و عملکرد اجتماعی افراد پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان داد که عملکرد اجتماعی افراد به صورت معناداری می‌تواند وابسته به باورهای مذهبی باشد.

اکر و همکاران^۵ (۲۰۰۷) در پژوهشی به شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر در کاهش اعتقادات مذهبی نوجوانانی که دچار بلوغ زودرس شده‌اند در دبیرستان‌های ایالت کارولینای شمالی آمریکا پرداختند. نتایج نشان داد که نوع آموزش در دبیرستان‌ها، سبک زندگی خانواده و

¹ Weber

² Lim & Putnam

³ McCullough & Willoughby

⁴ Jonathan

⁵ Uecker

باورهای مذهبی والدین از عوامل مؤثر بر کاهش اعتقادات مذهبی نوجوانان محسوب می‌شود. در ایران نیز پژوهش‌هایی در زمینه دین و آموزه‌های دینی و جایگاه فعلی آن انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

آهن کوب نژاد (۱۳۸۸) در پژوهشی به مطالعه میزان پایبندی دینی جوانان شهر اهواز پرداخت. نتیجه تحقیق نشان داد که دینداری جوانان شهر اهواز در ابعاد اعتقادی و عاطفی قوی‌تر است و براساس طیف لیکرت، بین زیاد و خیلی زیاد قرار دارد، اما در ابعاد پیامدی و مناسکی ضعیف‌تر و نزدیک به متوسط است و نمره کل دین داری جوانان نیز در حد بالاتر از متوسط و نزدیک به زیاد به دست آمد. همچنین از نظر جنسیت در همه ابعاد دین داری، میانگین نمره جوانان دختر بالاتر از جوانان پسر بوده است. علاوه بر این، از دیدگاه جوانان شهر اهواز مهم‌ترین علت دین‌گریزی جوانان، مشکلات معیشتی و اقتصادی کشور و نارضایتی از مسئولان در این زمینه است.

تمدنی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی رابطه نگرش دینی و همسازی اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب پرداخت. نتیجه تحقیق نشان داد که بین نگرش دینی و سازش یافتگی اجتماعی، تنها در دختران رابطه منفی معنادار وجود دارد و نگرش دینی دانشجویان دختر قوی‌تر از پسران بود. در حالی که در همسازی اجتماعی تفاوتی از لحاظ جنس به دست نیامد. نتایج رگرسیون حاکی از عدم پیش‌بینی سازش یافتگی اجتماعی بر اساس نگرش دینی و جنس بود.

توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) در تحقیقی به بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر پرداختند. نتیجه تحقیق آنان نشان داد که باورهای دینی دانشجویان در حد بالا و پایبندی آنها به انجام دادن مناسک فردی دینی در حد متوسط به بالاست، اما پایبندی آنها به انجام دادن اعمال جمعی دینی در حد کم ارزیابی شد. همچنین گرایش به دین‌خصوصی، برخورد گزینشی با دین و گرایش به تکثرگرایی دینی رواج زیادی بین دانشجویان داشت.

حافظ نیا و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای به ارزیابی معیارهای مقبولیت حکومت دینی در شهر تهران پرداختند. نتیجه تحقیق نشان داد که در محدوده مورد مطالعه، حکومت متکی بر اصول و معیارهای اسلامی به طور کلی مورد پذیرش مردم است و بسیاری از مردم علاقه مند به وجود حکومتی اسلامی با معیارهای مذهبی هستند. همچنین باتوجه به اهمیت دین و ارزشهای دینی در میان مردم، علاوه بر معیارهای عقلی و قانونی رایج در همه جوامع، برخی از معیارهای مذهبی که ناشی از کارکردهای حکومت دینی‌اند نیز در مقبولیت حکومت مؤثر است.

ایمان پور و سروش (۱۳۸۱) در پژوهشی به بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر هویت دینی جوانان شیراز پرداختند. نتیجه تحقیق آنان نشان داد که جنسیت، میزان مذهبی بودن والدین و دوستان و

میزان دنیاگرایی بیشترین تأثیر را بر هویت مذهبی جوانان داشته است. تحلیل چند متغیره نشان می‌دهد که از میان این متغیرها، میزان مذهبی بودن دوستان بیشترین تأثیر را بر هویت مذهبی جوانان داشته و پس از آن میزان دنیاگرایی مهم ترین متغیر ظاهر شده است نتایج آماره تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیرهای مهمی مانند تحصیلات و میزان رضایت مندی سیاسی و جهانی شدن، به صورت غیرمستقیم بر هویت مذهبی اثر داشته اند، به این صورت که تأثیر میزان رضایتمندی سیاسی و جهانی شدن بیشتر از طریق میزان دنیاگرایی بر هویت مذهبی اعمال شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که منابع تفسیر کنش در دنیای مدرن متکثر شده‌اند و دین به عنوان یک منبع مهم تفسیری با آنها به رقابت پرداخته است.

جان بزرگی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی رابطه سبک والدینی با رفتار اجتماعی به ویژه مبتنی بر احترام به قانون در کودکان شهر تهران پرداختند. نتیجه تحقیق نشان داد که بین سبک والدینی مقتدرانه و رفتار اجتماعی کودکان همبستگی مثبت و معنادار و بین سبک والدینی سخت گیرانه و سهل گیرانه و رفتار اجتماعی کودکان همبستگی منفی و معنادار دیده شد، در تمامی زیر مقیاس‌های مورد سنجش از جمله احترام به قانون نیز همین رابطه مشاهده شد.

سوالهای تحقیق

به نظر می‌رسد از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر شکل گیری عملکرد رفتاری، آموزه‌های دینی باشد. در خصوص نقش آموزه‌های دینی در شکل گیری عملکرد رفتاری، پژوهشگر با پژوهش‌های فراوانی روبرو شده است، اما چون نمی‌توان به طور قطع ادعا کرد که آموزه‌های دینی در شکل گیری عملکرد رفتاری نقش دارند، سوال اصلی تحقیق این است که آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان از چه جایگاهی برخوردار است؟ برای رسیدن به پاسخ این سوال، دستیابی به پاسخ سوالات زیر ضروری می‌نماید:

- ۱- آموزه‌های دینی در رفتارهای اجتماعی دانشجویان از چه جایگاهی برخوردار است؟
- ۲- آموزه‌های دینی در رفتارهای فرهنگی دانشجویان از چه جایگاهی برخوردار است؟
- ۳- آموزه‌های دینی در رفتارهای عاطفی دانشجویان از چه جایگاهی برخوردار است؟

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی است. با توجه به اینکه هدف این پژوهش تعیین جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان بود، محقق برای بررسی توزیع ویژگی‌های جامعه آماری، روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی را به کار برد.

جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری تحقیق کلیه دانشجویان دختر و پسر دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران در نظر گرفته شد. براساس آمار ثبت شده در اداره امور دانشجویی سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تعداد ۷۹۸۹۴ دانشجو در دوره کارشناسی مشغول تحصیل هستند. برای تعیین تعداد نمونه‌های مورد بررسی از فرمول برآورد حجم نمونه کوکران استفاده شد که با استفاده از این فرمول در سطح اطمینان ۰/۹۵، انحراف معیار ۱۷/۵ و تفاوت میانگین‌های ۱/۷ تعداد ۴۰۷ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شد.

$$n = \frac{\sigma^2 \cdot (z_1 - \frac{\alpha}{2})^2}{d^2}$$

برای انتخاب نمونه‌های تحقیق از روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد با توجه به آن که تعداد دانشجویان به تفکیک دانشگاه و جنسیت در دسترس بود، ۴۰۷ نمونه مورد نیاز به نسبت سهم هر دانشگاه از جامعه مورد مطالعه انتخاب شد، به طوری که ۱۴۲ نفر از واحد تهران مرکزی (۸۴ نفر دختر و ۵۸ نفر پسر)، ۸۲ نفر از واحد تهران شمال (۶۰ نفر دختر و ۲۲ نفر پسر)، ۱۲۶ نفر از واحد تهران جنوب (۵۸ نفر دختر و ۶۸ نفر پسر)، ۵۳ نفر از واحد علوم و تحقیقات (۳۱ نفر دختر و ۲۲ نفر پسر) و ۴ نفر از واحد تهران غرب (۳ نفر دختر و ۱ نفر پسر) به عنوان نمونه‌های تحقیق در نظر گرفته شدند.

ابزار تحقیق

برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش به منابع کتابخانه‌ای و اسناد موجود مراجعه شد و برخی از اطلاعات مورد نیاز به دست آمد، ابزار دیگری که در پژوهش مورد استفاده قرار گرفت پرسشنامه محقق ساخته سنجش عملکرد رفتاری است. پرسشنامه فوق از دو قسمت تشکیل شده است، قسمت اول در برگیرنده سؤالاتی است که به ویژگی‌های جمعیت شناختی دانشجویان مانند جنسیت و میزان سن می‌پردازد. قسمت دوم حاوی ۳۵ گویه چهار گزینه‌ای است و آزمودنی پاسخ هر گویه را در دامنه‌ای از نمرات ۱ (خیلی کم) تا ۴ (خیلی زیاد) ابراز می‌نماید. این پرسشنامه از سه بعد عملکرد رفتاری اجتماعی، عملکرد رفتاری فرهنگی و عملکرد رفتاری عاطفی تشکیل شده است. سوالات ۱۲-۱ به سنجش عملکرد رفتارهای اجتماعی، سوالات ۲۴-۱۳ به سنجش عملکرد رفتارهای فرهنگی و سوالات ۳۴-۲۵ به سنجش عملکرد رفتارهای عاطفی اختصاص دارند. شیوه نمره گذاری برای هر ۳ بعد یکسان است. برای تعیین روایی پرسشنامه ابتدا با استفاده از متون و کتب علمی تعداد ۴۳ سوال در خصوص موضوع تحقیق طرح گردید. سپس برای روایی محتوایی پرسشنامه با اطمینان از متخصصان و افراد باتجربه و اخذ نظرات کارشناسان امر پرسشنامه تصحیح و

برخی از سوالها حذف شد، در پایان روایی ۳۵ سوال از ۴۳ سوال مطرح شده مورد تأیید قرار گرفت. همچنین برای تعیین میزان اعتبار ابزار قبل از توزیع پرسشنامه نهایی، ابتدا پرسشنامه اولیه بین ۳۵ نفر از دانشجویان توزیع و پس از پاسخگویی جمع آوری شد، آنگاه برای بررسی اعتبار ابزار از نرم افزار spss استفاده گردید و با بهره گیری از روش آلفای کرانباخ مقدار اعتبار ۰/۸۰۹ برای پرسشنامه به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱: خلاصه‌ای از شاخص‌های آماری جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان به تفکیک جنسیت

	میانگین	میانه	واریانس	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	دامنه تغییرات	ضریب کجی	ضریب کشیدگی
پسران	۲/۵۰	۲/۴۲	۰/۶۴	۰/۸۰	۱	۴	۳	-۰/۲۳	-۰/۵۶
دختران	۲/۶۵	۲/۵۵	۰/۵۴	۰/۷۴	۱	۴	۳	-۰/۳۰	-۰/۳۳

در جدول شماره ۱ شاخص‌های آماری جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان به تفکیک جنسیت مشاهده می‌شود. با توجه به بزرگ‌تر بودن میانگین جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان دختر (۲/۶۵) از میانگین جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان پسر (۲/۵۰) می‌توان بیان داشت که عملکرد رفتاری دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشگاه‌های شهر تهران بیش از عملکرد رفتاری دانشجویان پسر تحت تاثیر آموزه‌های دینی قرار دارد.

جدول شماره ۲: خلاصه‌ای از شاخص‌های آماری جایگاه آموزه‌های دینی در ابعاد مختلف عملکرد رفتاری دانشجویان

	میانگین	میانه	واریانس	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	دامنه تغییرات	ضریب کجی	ضریب کشیدگی
رفتارهای اجتماعی	۲/۶۱	۲/۵۶	۰/۵۷	۰/۷۵	۱	۴	۳	-۰/۳۱	-۰/۳۲
رفتارهای فرهنگی	۲/۶۰	۲/۵۳	۰/۶۵	۰/۸۱	۱	۴	۳	۰/۰۹	-۰/۶۰
رفتارهای عاطفی	۲/۶۴	۲/۵۳	۰/۵۸	۰/۷۶	۱	۴	۳	-۰/۲۲	-۰/۵۴

با توجه به داده‌های جدول شماره ۲ می‌توان بیان نمود که بیشترین میزان میانگین در بین ابعاد مختلف عملکرد رفتاری دانشجویان (با ۲/۶۴) به بُعد رفتارهای عاطفی و کمترین میزان آن نیز (با ۲/۶۰) به بُعد رفتارهای فرهنگی تعلق دارد. به عبارت دیگر می‌توان بیان داشت که از نظر دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد شهر تهران آموزه‌های دینی بیشترین جایگاه را در رفتارهای عاطفی و کمترین جایگاه را در رفتارهای فرهنگی دارد. همچنین با میزان واریانس‌ها نشان می‌دهد که واریانس بُعد رفتارهای اجتماعی با (۰/۵۷) کمتر از سایر ابعاد و واریانس بعد رفتارهای فرهنگی (با ۰/۶۵) بیشتر از سایر ابعاد است. با توجه به آن که هر چه پراکندگی بیشتر باشد توزیع طبیعی‌تر خواهد بود می‌توان بیان کرد که بعد رفتارهای فرهنگی عملکرد رفتاری دانشجویان نسبت به دیگر ابعاد، توزیع طبیعی‌تری دارد.

برای بررسی سوالات تحقیق، ابتدا از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای سنجش متغیرها استفاده شد و نتایج آزمون بیانگر این مطلب بود که داده‌های مورد بررسی در دامنه نرمال (یا بهنجار) قرار دارند.

سوال فرعی اول: آموزه‌های دینی در عملکرد رفتارهای اجتماعی دانشجویان از چه جایگاهی برخوردار است؟

برای بررسی سوال فوق از آزمون t تک نمونه‌ای به شرح جدول زیر استفاده شد؛

جدول شماره ۳: آزمون t تک نمونه‌ای

رفتارهای اجتماعی	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	فاصله اطمینان	
					حدپائین	حدبالا
	۳/۰۷۶	۴۰۶	۰/۰۰۲	۰/۱۱۵	۰/۰۴۱	۰/۱۸۹
						۲/۶۱

با توجه به داده‌های جدول شماره ۳ و سطح معناداری آزمون ($\alpha = 0/002$) و کوچک‌تر بودن آنها از ۰/۰۵ می‌توان نتیجه گرفت که آزمون معنادار است. یعنی بین میزان میانگین محاسبه شده برای جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای اجتماعی دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران و میانگین جامعه (۲/۵) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و می‌توان استدلال کرد که پاسخهای دانشجویان به جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای اجتماعی آنان از لحاظ آماری با یکدیگر متفاوت است. با توجه به میزان میانگین جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای اجتماعی دانشجویان (۲/۶۱) و بزرگ‌تر بودن آن از میانگین جامعه (۲/۵) می‌توان بیان کرد که عملکرد رفتارهای اجتماعی دانشجویان تحت تاثیر آموزه‌های دینی قرار دارد.

سوال فرعی دوم: آموزه‌های دینی در عملکرد رفتارهای فرهنگی دانشجویان از چه جایگاهی برخوردار است؟

برای بررسی سوال فوق از آزمون t تک نمونه‌ای به شرح جدول زیر استفاده شد؛

جدول شماره ۴: آزمون t تک نمونه ای

رفتارهای فرهنگی	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	فاصله اطمینان		میانگین
					حدپائین	حدبالا	
	۴/۱۸۷	۴۰۶	۰/۰۰۰	۰/۱۶۸	۰/۰۸۹	۰/۲۴۷	۲/۶۰

با توجه به داده‌های جدول شماره ۴ و سطح معناداری آزمون ($\alpha = 0/000$) و کوچک‌تر بودن آنها از $0/05$ می‌توان نتیجه گرفت که آزمون معنادار است. یعنی بین میزان میانگین محاسبه شده برای جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای فرهنگی دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران و میانگین جامعه ($2/5$) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و می‌توان استدلال کرد که پاسخهای دانشجویان به جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای اجتماعی آنان از لحاظ آماری با یکدیگر متفاوت است. با توجه به میزان میانگین جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای اجتماعی دانشجویان ($2/60$) و بزرگتر بودن آن از میانگین جامعه ($2/5$) می‌توان بیان کرد که عملکرد رفتارهای فرهنگی دانشجویان تحت تاثیر آموزه‌های دینی قرار دارد.

سوال فرعی سوم: آموزه‌های دینی در عملکرد رفتارهای عاطفی دانشجویان از چه جایگاهی برخوردار است؟

برای بررسی سوال فوق از آزمون t تک نمونه‌ای به شرح جدول زیر استفاده شد؛

جدول شماره ۵: آزمون t تک نمونه ای

رفتارهای عاطفی	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	فاصله اطمینان		میانگین
					حدپائین	حدبالا	
	۳/۹۶۷	۴۰۶	۰/۰۰۰	۰/۱۴۹	۰/۰۷۵	۰/۲۲۴	۲/۶۴

با توجه به داده‌های جدول شماره ۵ و سطح معناداری آزمون ($\alpha = 0/000$) و کوچک‌تر بودن آنها از $0/05$ می‌توان نتیجه گرفت که آزمون معنادار است. یعنی بین میزان میانگین محاسبه شده برای جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای عاطفی دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران و میانگین جامعه ($2/5$) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و می‌توان استدلال کرد که

پاسخهای دانشجویان به جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای عاطفی آنان از لحاظ آماری با یکدیگر متفاوت است. با توجه به میزان میانگین جایگاه آموزه‌های دینی در رفتارهای عاطفی دانشجویان (۲/۶۰) و بزرگ‌تر بودن آن از میانگین جامعه (۲/۵) می‌توان بیان کرد که عملکرد رفتارهای عاطفی دانشجویان تحت تأثیر آموزه‌های دینی قرار دارد.

سوال اصلی: آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان از چه جایگاهی برخوردار است؟
برای بررسی سوال فوق از آزمون t تک نمونه‌ای به شرح جدول زیر استفاده شد؛

جدول شماره ۶: آزمون t تک نمونه‌ای

عملکرد رفتاری	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	فاصله اطمینان		میانگین
					حدپائین	حدبالا	
رفتاری	۲/۳۱۷	۴۰۶	۰/۰۲۱	۰/۰۸۸	۰/۰۱۳	۰/۱۶۳	۲/۵۸

با توجه به داده‌های جدول شماره ۶ و سطح معناداری آزمون ($\alpha = 0/021$) و کوچک‌تر بودن آنها از ۰/۰۵ می‌توان نتیجه گرفت که آزمون معنادار است. یعنی بین میزان میانگین محاسبه شده برای جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران و میانگین جامعه (۲/۵) تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و می‌توان استدلال کرد که پاسخهای دانشجویان به جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری آنان از لحاظ آماری با یکدیگر متفاوت است. با توجه به میزان میانگین جایگاه آموزه‌های دینی در عملکرد رفتاری دانشجویان (۲/۵۸) و بزرگ‌تر بودن آن از میانگین جامعه (۲/۵) می‌توان بیان کرد که عملکرد رفتاری دانشجویان تحت تأثیر آموزه‌های دینی قرار دارد.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد رفتاری دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه‌های آزاد شهر تهران تحت تأثیر آموزه‌های دینی قرار دارد و آموزه‌های دینی در ابعاد مختلف عملکرد رفتاری آنان، از قبیل عملکرد رفتاری اجتماعی، عملکرد رفتاری فرهنگی و عملکرد رفتاری عاطفی نفوذ کرد و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این یافته با نتیجه تحقیق لیم و پوتنام (۲۰۱۰)، نتیجه تحقیق مک کلایت و ویلهبی (۲۰۰۹)، نتیجه تحقیق جاناتان (۲۰۰۶)، آهن کوب نژاد (۱۳۸۸)، تمدنی (۱۳۸۵) و توسلی و مرشدی (۱۳۸۵) همسویی دارد.

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان بیان کرد که نقش باورهای مذهبی در رفتار انسان انکارناپذیر، است به طوری که اعتقادات مذهبی در تمامی رفتارهای انسان انعکاس می‌یابد. تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در جهان را نشان می‌دهند که افراد مذهبی در برابر بیماری‌های سخت درمان مقاومت و امید بیشتری دارند، دین و مذهب در ایجاد آرامش روحی و روانی آنان بسیار مؤثر است، امید به زندگی در آنها بیشتر است، شادترند و از نظر روانی از شخصیت سالم و از نظر اجتماعی از تعادل شخصیتی و هنجاری برخوردارند.

با توجه به مطالب عنوان شده می‌توان بیان کرد که رفتار انسان تابعی از نظام ارزشی مورد قبول او است، معناداری زندگی انسان در گرو اعمال و رفتارهایی است که در چارچوب نظام ارزشی ویژه یک جامعه و همسو با باورها و نظام عقیدتی آن جامعه شکل بگیرد. در واقع ارزشها، هنجارها، آداب و رسوم و به طور کلی فرهنگ جامعه از طریق فرایند اجتماعی شدن به نسل و نسلهای بعدی منتقل می‌شود. همواره جامعه به صورت نظام اجتماعی با دین به مثابه نهاد اجتماعی، همسویی داشته است و دین مجموعه عقاید، اخلاق و مقرراتی محسوب شده که برای اداره امور اجتماعی و پرورش انسان‌ها ثمربخش است.

پیشنهادهای

* شکی نیست که باورهای دینی بر شیوه کار و عملکرد رفتاری افراد مؤثرند. چرا که دین پشتیبان نوعی از اخلاق، و مروج نوعی فضایل و مکارم اخلاقی، در عین حال رذایل اخلاقی را نهی می‌کند، بنابراین پیشنهاد می‌شود که با حمایت مستقیم از دین، و طرح ریزی برنامه‌ای برای این اقدام، رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و عاطفی افراد را با آموزه‌های دینی همسو ساخت.

* برای تثبیت موقعیت دین در جوامع به خانواده‌ها پیشنهاد می‌شود که در فرایند تربیت فرزندان خویش در ابعاد مختلف، از آموزه‌های دینی به عنوان ابزاری مؤثر استفاده کنند.

* با توجه به اینکه دین در پیدایش و شکل‌گیری جامعه انسانی نقش بنیادی دارد پیشنهاد می‌شود از آموزه‌های دینی برای بقا و تداوم آن نیز استفاده کنند.

* از آنجا که باورها و مناسک و اعمال دینی و ارزش‌های اخلاقی از عوامل مهم در ارتباطات خانوادگی و انسجام خانواده‌ها هستند، می‌توان پیشنهاد کرد که با بحث و گفتگو درباره تأثیر دین بر حفظ و ثبات خانواده‌ها از تزلزل ارزش‌ها و اخلاقیات پیشگیری شود.

* از آنجا که دین هدف زندگی و جهت‌گیری حیات‌آدمی، و علم هویت‌بخشی آن را مشخص می‌کند، پیشنهاد می‌شود از علم و دین در برخورد با موضوعات مختلف زندگی بشر استفاده شود.

منابع فارسی

- آرون، ر. (۱۳۸۱). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه: پرهام، باقر. تهران: نشر علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
- آهن کوب نژاد، م. ر. (۱۳۸۸). *مطالعه میزان پایبندی دینی جوانان شهر اهواز*. اهواز: پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۳، صفحات: ۱-۲۴.
- ایمان پور، م. ت.، سروش، م. (۱۳۸۱). *بررسی و ارزیابی عوامل مؤثر بر هویت دینی جوانان در شیراز*. اصفهان: مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۳۰، صفحات: ۳۹-۶۸.
- بیرهوف، ه. و. (۱۹۹۱). *رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روانشناسی اجتماعی*. ترجمه: صدقی نژاد، ر. (۱۳۸۴). تهران: انتشارات گل آذین، چاپ دوم.
- تمدنی، م. (۱۳۸۵). *رابطه نگرش دینی و همسازی اجتماعی دانشجویان*. تهران: مجله روانشناسان ایرانی، شماره ۸، صفحات: ۳۳۱-۳۴۰.
- توسلی، غ. ع.، مرشدی، ا. (۱۳۸۵). *بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر*. تهران: مجله جامعه‌شناسی ایران، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، شماره ۴، صفحات: ۹۶-۱۱۸.
- جان بزرگی، م. نوری، ن. راجزی اصفهانی، س. (۱۳۸۷). *بررسی رابطه سبک والدینی با رفتار اجتماعی به ویژه مبتنی بر احترام به قانون در کودکان*. تهران: فصلنامه پژوهنده، شماره ۶۶، صفحات ۵۲۷-۵۱۹.
- حافظ نیا، م. ر. ربیعی، ح. طاهرخانی، م. (۱۳۸۵). *ارزیابی معیارهای مقبولیت حکومت دینی*. تهران: مطالعات ملی، شماره ۷، صفحات ۶۰-۴۱.
- حسینی، م. (۱۳۷۸). *دین و جامعه از نگاه شهید مطهری*. تهران: فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱۷ و ۱۸، صفحات ۵۷-۴۳.
- حکیمی نیا، ب. (۱۳۸۴). *دین در آینه جامعه‌شناسی*. تهران: فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۷، صفحات ۵۰-۲۶.
- سلیمانی، د. (۱۳۸۸). *منشأ طبقات اجتماعی و قرآن*. تهران: فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۱، صفحات ۲۹-۱۷.

- قدردان قراملکی، م. ح. (۱۳۸۲). آزادی در فقه و حدود آن. قم: تهیه و تنظیم مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام، چاپ اول.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی**. ترجمه: صبوری، منصور. تهران: نشر نی، چاپ اول.
- مصطفوی، م. (۱۳۸۹). **رویکرد مشاوره و روان درمانگری غایت نگر**. تهران: انتشارات طلوع دانش، چاپ اول.
- مطهری، م. (۱۳۸۸). **مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی- انسان و ایمان**. تهران: انتشارات صدرا. چاپ سی و پنجم.
- همپلتون، م. (۱۳۷۸). **جامعه‌شناسی دین**. ترجمه: ثلاثی، محسن. تهران: موسسه انتشاراتی تیان، چاپ اول.
- هیوز، ا. (۱۳۶۹). **آگاهی و جامعه**. ترجمه: فولادوند، عزت ا... . تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

منابع انگلیسی

- Baker, A. (2010). **Factor which influence prosaically behavior. department of psychology**. Vol 4, issue 6, pp: 125-132.
- Jonathan, H. W. Tan. (2006). **Religion and social preferences: An experimental study**. Department of Economics, European University Viadrina, Frankfurt (Oder), Germany. Vol 90, Issue 1, PP: 60-67.
- Lim, C., Putnam, R. D. (2010). **Religion, Social Networks and Life satisfaction**. American Sociological Review. Vol 75, Issue 6, pp: 914-933.
- McCullough, M. E. & Willoughby, B. L. B. (2009). **Religion, Self – Regulation, Self– Control: Association, Explanations, And Implications**. American Psychological Association. Vol 135, Issue 1, pp: 69-93.
- Uecker, J. E., Regnerus, M. & Vaaler, M. L. (2007). **The Social Sources of Religious Decline in Early Adulthood**. Social Forces. Vol 85, Issue 4, pp: 1667-1692.